

# فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۵؛ ص ۱۶۱-۱۳۹

## تأثیر احساس محرومیت نسبی کالبدی مهاجران جنگ تحمیلی (دفاع مقدس)

### بر حس تعلق مکانی (نمونه موردی شهرک شهید بهشتی مشهد)

رویا مهدیانی<sup>۱</sup>، یدالله کریمی پور<sup>۲</sup>، هادی نیرآبادی<sup>۳</sup>

۱- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، ۲- استاد، دانشگاه خوارزمی تهران، ۳- کارشناس ارشد سنجش از دور و GIS دانشگاه

تبریز، معاون شهرسازی و معماری نیشابور

(دریافت: ۹۵/۰۸/۲۹، پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۲)

### چکیده

هویت به معنای چیستی و تقابل اثر سه قطب مخالف، من، ما و دیگران است که دارای ابعاد مختلف کالبدی-مکانی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، سیاسی است. هویت مکانی تمایزات و تصورات مکان را بازگو می‌کند و به عنوان مبنای شناخت مکان، در مقابل موجودیتی مجزا عمل می‌کند. این صرفاً بدان معنا است که هر مکان، نشانه منحصر به فردی دارد و قابل شناسایی است. از طرفی کالبد محیط به عنوان مهم‌ترین عنصر عینی هویت مکانی، نقش مؤثری ایفا می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد احساس محرومیت نسبی از کالبد مطلوب بر هویت مکان و حس تعلق مکان در جوامع تأثیرگذار بوده است. در پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار AMOS و SPSS برای تجزیه و تحلیل و با بهره‌گیری از مدل ساختاری به بررسی محرومیت و احساس محرومیت نسبی کالبدی و نقش آن بر هویت و حس تعلق مکانی پرداخته شده که در نتیجه رابطه معناداری بین این دو مقوله وجود داشته و احساس محرومیت نسبی کالبدی بر کاهش حس تعلق مکانی جامعه مورد بررسی اثر گذاشته است.

**کلید واژه‌ها:** هویت مکانی، حس تعلق مکان، احساس محرومیت کالبدی، مهاجران جنگ تحمیلی،

مدل ساختاری.

## مقدمه

محرومیت و احساس محرومیت به عنوان دو مقوله مهم شهری در بسیاری از جنبه‌های هنجاری و مسائل شهری قابل بررسی هستند. محرومیت نیز مانند هویت از مقایسه فرد با دیگران ناشی می‌شود با این تفاوت که هویت از تمایزات، شکل و محرومیت شدت می‌گیرد. از این رو محرومیت کالبدی که از مهم‌ترین مؤلفه‌های عینی در شکل‌گیری هویت مکانی به حساب می‌آید، حائز اهمیت بوده است. از طرفی شهر مشهد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کلان شهرهای کشور و شهرهای مهم مذهبی جهان نیز به دلیل مهاجرت پذیری ناشی از جاذبه‌های مذهبی و خدماتی و مقوله حاشیه نشینی شهری دارای تمایزات محیطی و مکانی قابل بررسی می‌باشد که شهرک عرب‌ها به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جوامع حاشیه نشین شهر مشهد، فاقد کالبد، سیما و منظر مناسب شهری از نظر مردم شهر و ساکنان شهرک است، با این تفاوت که ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد (شهرک عرب‌ها) مهاجران اجباری جنگ تحمیلی هستند که در روند دفاع از وطن خود مجبور به ترک خانه‌های خویش شده‌اند و امروز با گذشت بیش از سی سال در حاشیه شهر با وضعیتی بدتر از گذشته به زندگی ادامه می‌دهند. بنابراین پرسش‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که لزوم بررسی‌های بیشتر را آشکار می‌سازد. از این رو در پژوهش حاضر با استفاده از اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی، پیمایشی و با استفاده از نرم‌افزار AMOS و SPSS به بررسی، تجزیه و تحلیل این سؤال پرداخته‌ایم که آیا رابطه‌ای میان هویت و حس تعلق مکانی با احساس محرومیت کالبدی و محیطی وجود دارد؟ که در نهایت با ارائه مدل ساختاری رابطه معناداری میان محرومیت کالبدی و حس تعلق مکانی حاصل شده است و با توجه به میزان رنجش مهاجران از وضعیت زندگی خود، در جهت ساماندهی شهرک به ارائه راهکارهایی در این حیطه پرداخته شده است.

## بیان مسئله

جنگ تحمیلی (دفاع مقدس) عراق علیه ایران از جمله وقایع مهمی است که تأثیرات غیر قابل انکاری را هم در جامعه ایران، هم در منطقه و هم در جهان بر جای گذاشته است. این جنگ باعث مهاجرت بخش قابل توجهی از جمعیت استان‌های خوزستان، کرمانشاه و ایلام به مناطق دیگر کشور شده و بیشترین بخش مهاجران از استان خوزستان به ویژه شهرهای خرمشهر و آبادان بوده‌اند. علی‌رغم بازگشت تعداد زیادی از مهاجران جنگی به محل سکونت قبل از جنگ خود، هنوز تعداد قابل توجهی از مهاجران جنگی خوزستان در شهرهای محل مهاجرت خود باقی مانده‌اند (زارع، ۱۳۸۸: ۱۱). این در حالی است که بسیاری از این مهاجران در حاشیه کلان شهرها به سر برده و از شرایط زندگی خود احساس نارضایتی دارند که این حس خود عاملی در راستای کاهش

تعلق به مکان در ساکنان می‌باشد. به نظر می‌رسد ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد که از مهاجران جنگ تحمیلی به حساب می‌آیند، از این قضیه مستثنی نیستند و احساس محرومیت آنان عاملی در فقدان و کاهش تعلق این افراد به مکان زندگیشان شده است. از این رو به دلیل تبعات بعدی ناشی از احساس محرومیت و فقدان حس تعلق مکانی در پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان احساس محرومیت کالبدی و حس تعلق مکانی ساکنین پرداخته شده و در نهایت راهکارهایی جهت کاهش احساس محرومیت و افزایش احساس تعلق افراد به محیط ارائه داده شده است.

### اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

حاشیه نشینی، شیوه و فضای خاصی از زندگی شهری است که در تمامی یا غالب جهات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار و نحوه شکل‌گیری و سیر تحولات تاریخی با بخش‌های مجاور تفاوت اساسی دارد (کمانرودی، ۱۳۷۶: ۱۸). حاشیه نشینی علاوه بر چالش‌ها و معضلات خدماتی و زیرساختی دارای معضلات غیر کالبدی نیز بوده که اثرات جبران‌ناپذیری را در جامعه بر جای می‌گذارند. به طور مثال می‌توان بر احساس محرومیت نسبی اشاره کرد که بر عواملی چون قتل، سرقت، اعتیاد، بزهکاری و... منجر می‌شود (طرح و مدیریت ساماندهی حاشیه شهر مشهد، ۱۳۸۰: ۵۶). محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم به چیزی میل کنند که آنان را ندارند خود را مستحق به‌دست آوردن آن بدانند و به خاطر ناتوانی در تملک آن، خود را مقصر ندانند، فرزندان این نسل در محیط شهری پرورش می‌یابند و نسبت به مکانی که در آن پرورش می‌یابند احساس تعلق پیدا می‌کنند و هدف‌ها و آرزوهای شهری را برای مکان زندگی خود آرزو کرده، برای تحقق آرزوهایشان نخست به فعالیت‌های غیر قانونی و سپس به کنش‌های ناهنجار روی می‌آورند (لهسایی زاده، ۱۳۹۱: ۲۳).

### سؤالات تحقیق

**سؤال اصلی:** تأثیر احساس محرومیت نسبی کالبدی مهاجران جنگ تحمیلی بر حس تعلق مکانی به چه میزان است؟

### سؤالات فرعی:

- ۱- چه میزان احساس محرومیت ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد از کالبد به محله خود دارند؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان احساس محرومیت نسبی کالبدی و حس تعلق مکانی دارد؟
- ۳- آیا احساس محرومیت کالبدی بر حس تعلق مکانی ساکنان تأثیر دارد؟

### پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش به محقق کمک می‌کند تا بر موضوع تسلط پیدا کند و از دوباره کاری جلوگیری

نماید. بنابراین در این پژوهش به دلیل فقدان و یا کمبود منابع مرتبط به مسئله حاشیه نشینی، محرومیت و تأثیر جنگ بر این عوامل به طور جداگانه اشاره شده است.

گر (۱۹۷۰) در کتاب خود با عنوان "چرا انسان‌ها شورش می‌کنند" محرومیت نسبی را تفاوت درک شده بین انتظارات ارزشی افراد (وسایل و شرایط زندگی که افراد خود را مستحق آن می‌دانند) و توانایی ارزشی آن‌ها (وسایل و شرایطی که فکر می‌کنند استعداد به‌دست آوردن و نگهداری آن را دارند) می‌داند.

زنجانی (۱۳۸۰) در کتاب خود با عنوان "مهاجرت" مهاجرت به شهرها را یکی از علل مهم پیدایش اسکان غیر رسمی در شهرهای میزبان دانسته است. مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند.

هادیزاده بزاز (۱۳۸۲) در کتاب "حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان" حاشیه نشینی را پدیده‌ای اجتماعی دانسته و بیان می‌دارد حاشیه نشینی اختصاص به عصر فعلی نداشته، این پدیده ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و هم در کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه وجود داشته و دارد و تنها تفاوت آن از حیث ریشه‌های تاریخی به وجود آورندهی آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می‌باشد. "بر اساس مطالعات سازمان ملل" حاشیه نشینی و آلونک نشینی چالش اصلی هزاره سوم است. این پدیده در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی ریشه در مهاجرت و عوامل دافعه و جاذبه روستایی- شهری دارد.

مثنوی (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان "حاشیه نشینی معضلی اجتماعی" چند مدل حاشیه نشینی را در ایران تبیین کرده که شامل حاشیه نشینی در بخش‌های مرفه نشین و حاشیه نشینی در بخش‌های فقیرنشین، حاشیه نشینی ناشی از مهاجرت روستا- شهری و نیز حاشیه نشینی غیر طبیعی حاصل از حوادث طبیعی مانند زلزله و سیل و یا ناشی از عوامل انسانی هم چون جنگ تحمیلی ایران- عراق است.

ربانی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز" حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه را شامل مهاجرین به شهرهای بزرگ دانسته که به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های کافی و فقدان سرمایه کافی، قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. آن‌ها اهواز را به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران با معضلات و مسائل شهری هم چون حاشیه نشینی، فقر فرهنگی، رشد ناموزون، افزایش جرم و جنایت، بروز مشاغل کاذب و... مواجه دانسته‌اند و جنگ هشت ساله را مزیدی بر این علت دانسته‌اند.

صالحی (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان "شناخت چالش‌ها، بحران‌های قومی و الزامات مدیریت

تنوع "تئوری محرومیت نسبی را برای تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی، سیاسی و قومی در مطالعات اجتماعی ضروری می‌داند و محرومیت را شرایط نابرابر یک جامعه تعریف می‌کند. وی در این مقاله علت اهمیت محرومیت نسبی را تأثیر این عامل بر رفتار جمعی می‌داند و چرخه محرومیت را به دو دسته درون‌زا و برون‌زا تبیین داشته است.

نواح و تقوی نسب (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان "تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی" احساس محرومیت نسبی را عاملی در تشدید هویت قومی در میان مردم عرب دانسته‌اند که در پی آن برخی جنبه‌های هویت ملی را کاهش می‌دهد.

منصوری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان "تحلیل ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کیفیت سکونتگاهی حاشیه نشینان در راستای توانمندسازی" به فاجعه کمی حاشیه نشینی در شهر مشهد اشاره کرده است. وی بیان داشته که حاشیه شهر مشهد طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیتی در حدود ۸۲۰ هزار نفر را در خود جای داده است که در حال حاضر این جمعیت از جمعیت ۲۰ مرکز استان و جمعیت ۴ استان کشور بیشتر می‌باشد. شهر مشهد به دلیل وسعت و جاذبه‌های مذهبی و رفاهی دچار این چنین معضلی شده است.

شریفی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان "بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با جرم" محرومیت نسبی را درک تفاوت میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی افراد دانسته که ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا گروه مرجع طراحی شده است (ایدئولوژی) و ارجاع به گروه‌های دیگر شکل گیرد. بدین ترتیب وی در مقاله خود محرومیت را به سه نوع متفاوت تقسیم کرده است: ۱- محرومیت نزولی ۲- محرومیت ناشی از بلند پروازی ۳- محرومیت صعودی. هر چه محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات و توانایی‌ها شدیدتر باشد آنگاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود.

لهسایی زاده (۱۳۹۱) تعریف و دیدگاه جامعی از احساس محرومیت نسبی را در مقاله خود با عنوان "نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه نشین" مطرح کرده است. وی در ابتدا بیان داشته است که مفهوم محرومیت نسبی اولین بار در دهه ۱۹۴۰ توسط نویسندگان کتاب سرباز آمریکایی به کار بردند. آن‌ها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده کردند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید داشته باشد معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. هولندر معتقد است که این محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم به چیزی میل کنند که آنان را ندارند خود را مستحق به دست آوردن آن بدانند و به خاطر ناتوانی در تملک آن، خود را مقصر ندانند. از نظر گار هر چه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان‌ها خود را با آن‌ها مقایسه

می‌کنند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و نوعی احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هر چه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقای اجتماعی کمتر باشد، محرومیت نسبی نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین شرایط زندگی در مناطق حاشیه نشین به صورتی است که سبب به وجود آمدن شرایط فرهنگی خاصی برای حاشیه نشین‌ها می‌شود. به طوری که از یک سو فقر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی مردم در متن شهر سبب ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی در میان این اقشار جامعه می‌شود. این امر گاهی می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی عمل کند و این مسئله در نخستین نسل حاشیه نشینان کمتر مشاهده می‌شود اما فرزندان این نسل در محیط شهری پرورش می‌یابند و هدف‌ها و آرزوهای شهری را جذب می‌کنند و برای تحقق آرزوهایشان نخست به فعالیت‌های غیر قانونی و سپس به کنش‌های ناهنجار روی می‌آورند.

موحد (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "تأثیر جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه نشین" حاشیه نشینی را یکی از پدیده‌های جغرافیایی شهرهای بزرگ و متوسط ایران دانسته و جنگ تحمیلی را در این مقوله بی‌تأثیر ندانسته است.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "بررسی علل حاشیه نشینی و راه حل تعارض با اصول شهرسازی" مشکلات و چالش‌های حاشیه نشینی را به شرح ذیل تبیین کرده است: تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی نشده و سنگین، تحمیل تغییرات ناخواسته در برنامه‌ریزی‌های کلان، توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار، بلا استفاده ماندن بخشی از سرمایه گذاری‌های ناشی از ساخت و ساز به دلیل عدم وجود امکانات و تأسیسات زیربنایی و افزایش روند جذب در حاشیه‌های شهری علی‌رغم وجود معضلات انباشته قبلی.

صالح (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان "نظریه محرومیت نسبی، درگیری‌های ملی، قومی و هویتی" اشاره دارد که امنیت اجتماعی زمانی نگران کننده است که در جامعه حس محرومیت نسبی رشد پیدا کند زیرا انسجام اجتماعی و هویت در مرحله تهدید و ضعف قرار می‌گیرند.

سیف‌اللهی (۱۳۹۳) در فارس با عنوان "معضل حاشیه نشینی، ریشه‌ها، پیامدها، راهکارها" حاشیه نشینی را معادل کلمه مارگینال ستلمنت پدیده‌ای اجتماعی دانسته است. وی حاشیه نشینان را گروهی از افراد جامعه می‌داند که مجبور به سکونت در منطقه‌ای از شهر یا مناطقی از کلان شهرها شده‌اند اما در عین حال جذب فضای شهری نمی‌شوند که این امر به دلایل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "بررسی علل حاشیه نشینی و راه حل تعارض با اصول شهرسازی" در مورد اصطلاحات حاشیه نشینی چنین می‌نویسند: در فارسی اصطلاحات متعددی در رابطه با حاشیه نشینی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: زاغه نشینی، آلونک

نشینی، حلبی آباد و... که هر کدام مفهوم خاص خود را دارند. در سایر مناطق نیز از اصطلاحاتی مانند: رانچو یا فاولا در امریکای لاتین، بوستی یا کامپونگ در آسیا، بیرونویل یا شانتی تاون در آفریقا و... استفاده می‌شود.

## مبانی نظری

### مهاجرت

ابعاد گسترده و پیچیدگی مهاجرت باعث شده تا محققان در حوزه‌های مختلف به بررسی این موضوع بپردازند (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۲۷). بنابراین قبل از بررسی چگونگی و روند مهاجرت‌ها این نکته می‌بایست مد نظر قرار گیرد که پدیده مهاجرت نتیجه و حاصل برخورد عوامل جذب کننده و دفع کننده محیطی و فردی سرزمین‌هاست و این مسئله همواره مورد توجه جغرافی دانان و جامعه شناسان بوده است (Newman, 1987: 167). لی معتقد است انسان در مکان با یک سری از عوامل جاذب و دافع در شکل متغیرهای مثبت و منفی مواجه است که اصلی‌ترین عامل انگیزه در پایداری و ماندگاری جمعیت‌ها یا مهاجرت آن‌ها از منطقه است (Lee, 1996: 57). مهاجرت مقوله تازه‌ای نیست و می‌توان گفت پدیده‌ای است که کشورهای مختلف برخوردهای متفاوتی با آن دارند (نیک محمدی، ۱۳۸۲: ۴۷) و به لحاظ نوع و ماهیت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸) این پدیده جهانی در کشورهای پیشرفته بعد از انقلاب صنعتی و در کشورهای جهان سوم در نیم قرن اخیر شدت گرفته است (شمس و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۸) و به خاطر گستردگی‌اش در دنیای امروز همه جوامع بشری به نحوی با چالش‌های مربوط به آن روبه‌رو هستند (Tomtomoren et al., 2004: 5).

### مهاجر

مهاجر فردی است که از یک مکان به مکان دیگر برای زندگی، کار یا مسئله دیگری نقل مکان کند (Hawkins, 1989: 783).

### انواع مهاجرت

مهاجرت ریشه تاریخی داشته و به عنوان یک واقعه مهم در تاریخ ثبت شده است و اشکال گوناگونی دارد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۷) اگر چه مهاجرت‌ها از تنوع بسیار چشمگیری برخوردار می‌باشند ولی می‌توان آن‌ها را در چهارچوب تعریف مهاجرت در رابطه با هدف، مدت، فاصله، مسیر، حجم، سرعت طبقه‌بندی کرد. در این صورت مهاجرت‌های دائمی، اجباری، اخراجی، آزاد، برنامه‌ریزی شده به موازات مهاجرت‌های داخلی، خارجی، بین ناحیه‌ای، بین‌المللی، قاره‌ای و بین قاره‌ای مطرح می‌شود. مهاجرت را با توجه به اهداف دسته‌بندی‌ها می‌توان

در گروه‌های مختلفی بیان کرد.

### انواع مهاجرت بر اساس ماهیت (خواست و اراده)

مهاجرت فرآیندی است که طی آن حجم وسیعی از جمعیت از یک نقطه به نقاط دیگر کوچ کرده و در نتیجه در مبدأ و مقصد معضلات و مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. با توجه به ماهیت مهاجرت می‌توان اینگونه مهاجرت‌ها را تقسیم‌بندی کرد که به دو صورت اختیاری و یا اجباری خواهد بود.

#### مهاجرت‌های ارادی و خود خواسته

مهاجرت‌هایی گفته می‌شود که با خواست و اراده خود فرد یا سرپرست خانواده انجام می‌پذیرد.

#### مهاجرت‌های اجباری

مهاجرت‌هایی گفته می‌شود که در آن اراده مهاجر تأثیری در انجام یا عدم انجام مهاجرت‌ها ندارد، نظیر مهاجرت‌های ناشی از جنگ. در مهاجرت اجباری اصولاً دلیل مهاجرت فشارهای خارجی به مردم می‌باشد به نحوی که در ابتدا به ساکن خود مایل به مهاجرت نبوده‌اند ولی به دلایل مختلف مجبور به ترک دیار خود شده‌اند که می‌تواند این عوامل شامل عوامل طبیعی مانند سیل، زلزله و خشکسالی و یا انسانی باشد. در عوامل انسانی مهاجرت بحران‌های به وجود آمده در آن مقطع زمانی مهم‌ترین عامل کوچ هستند. جنگ به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در مهاجرت اجباری است. در طول دوران دفاع مقدس نیز تعداد زیادی از هم‌وطنان عزیز ما مجبور به ترک دیار خود شدند. این موج عظیم جمعیتی که از شهرهای غربی به دیگر نقاط کشور مهاجرت کردند، در شهرهای مقصد منشأ ایجاد خرده فرهنگ‌ها شدند. در طول دوران دفاع مقدس پس از این که شهرهای ایران از دست اشغال‌گران آزاد شد تعدادی از مردم مهاجر مجدد در همان دوران به شهرهای خود برگشته و باری دیگر به دفاع از مرز و بوم ایران پرداختند و عده‌ای نیز پس از پایان دوران دفاع مقدس، به شهر و دیار خود بازگشتند اما با تمام این وجود تعداد زیادی از مردم در شهرهای مقصد ماندند و در نهایت در حال حاضر به عنوان حاشیه نشین در آن شهرها زندگی می‌کنند (مهدیانی، ۱۳۹۳: ۲۵).

#### محرومیت

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده است که تعاریف و تعبیر گوناگونی برای آن از سوی محققان مختلف با توجه به هدف آنان ارائه شده و تعاریفی از آن که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد. زیرا که محرومیت مقوله‌ای کیفی به شدت نسبی و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن ذهنی است. از طرفی ارتباط نزدیک مفهوم محرومیت با مفاهیمی مانند فقر، طرد اجتماعی، بی‌عدالتی و توسعه نیافتگی سبب شده که بسیاری از محققان این مفاهیم را معادل هم به کار گیرند؛ بنابراین تعریفی



واحد از محرومیت امری ضروری است. دور ماندن و دسترسی نداشتن به امکاناتی که معمولاً باید در اختیار فرد باشد. اصطلاح محرومیت دلالت بر عدم وجود صفات اساسی و پسندیده مورد احترام جامعه، فقدان دارایی‌ها و نیز عدم دسترسی به فرصت‌هایی دارد که حداقل آن مورد پذیرش جامعه است. محرومیت به نیازهای برآورده نشده و مشکلات ایجاد شده به وسیله کمبود منابع و فرصت‌ها نه فقط پول، اشاره دارد.

محرومیت می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای بر تمام نارسایی‌های حاصل از شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی ارزیابی شود که طبعاً منجر به پدید آمدن شرایط بحرانی برای یک ناحیه و منطقه می‌شود.

محرومیت به عنوان "وضعیت آسیب‌های اجتماعی و مادی" که بر روی فرد یا خانواده و یا یک جامعه اثر دارد، تعریف می‌شود (8: Abu-Al Sondos et al., 2009).

### احساس محرومیت

در حقیقت این احساس از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آنچه که به دست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که شرایط خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند، به دست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود. مقایسه عبارت است از فرآیندی ذهنی که طی آن فرد به ارزیابی و تطبیق بین شرایط خود با شرایط و وضعیتی که گروه و یا فرد مورد نظر وی که از آن برخوردار است، می‌پردازد (جریبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰ و ۵۱).

### محرومیت نسبی

به نظر «تد رابرت گر» محرومیت نسبی برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آن‌ها است (گر، ۱۳۷۷: ۸۴) منظور از توقعات ارزشی اشاره به آن دسته یا سطح مطلوب‌ها است که فرد خود را شایسته به دست آوردن یا حفظ آن‌ها می‌داند. در این رابطه، به مواردی نظر معطوف است که فرد یا گروه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا اقتصادی خاصی احساس می‌کند که بر اساس جایگاه و پتانسیل‌هایی که در خود می‌بیند، لیاقت داشتن دسته‌ای از ارزش‌ها را دارد که از آن محروم است. توقعات ارزشی به تناسب گروه‌های اجتماعی متفاوت است. مثلاً در حوزه سیاسی، توقعات ارزشی را می‌توان شامل دسترسی به مناصب سیاسی، برابری سیاسی با دیگر گروه‌های جامعه، رعایت کرامت انسانی، وجود آزادی‌ها، بازخواست پذیری مسئولان و... دانست. توقعات ارزشی در حوزه اقتصادی را می‌توان شامل دسترسی به مسکن، ماشین، تفریحات، رفاه و امنیت اقتصادی و کاری مناسب دانست. همچنین توقعات و انتظارات ارزشی در حوزه اجتماعی را می‌توان بر خورداری از شأن اجتماعی، احترام و مورد قبول جامعه قرار گرفتن، کسب شأن مناسب با شغل و... دانست (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۲۸۳).

### احساس محرومیت نسبی

به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلافات میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود. این متغیر از نظریه‌های بوزان و ویور اخذ شده است، از نظر این اندیشمندان، قرار گرفتن افراد در معرض منافع برابر، مخاطرات مساوی، عدالت اجتماعی و... عاملی برای برقراری نظم و امنیت به شمار می‌رود. شاخص محرومیت نسبی از ترکیب سه سؤال که در قالب طیف لیکرت بوده و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده می‌شود، ساخته شده است. این معرف‌ها توسط تدرابرت گر مطرح شده و بیشتر با حوزه اقتصادی زندگی افراد مرتبط است. شامل مقایسه (برابری یا نابرابری)، امکانات رفاهی خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اقتصادی فرد با دیگران می‌شوند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۵).

### محرومیت کالبدی و محیطی

محرومیت به معنای فقدان هر نوع فرصت و عدم دسترسی به منابع است، محرومیت دارای ابعاد چندگانه و متعدد است که شامل محرومیت اقتصادی، سیاسی و امنیتی (نصیری و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰) اجتماعی و فرهنگی (2: Reimer, 2002) و کالبدی و محیطی اشاره کرد. بعد کالبدی و محیطی به محیط فیزیکی و زیست افراد اشاره دارد و شامل امکانات و خدمات زیربنایی و کیفیت و خدمات مسکن و محیط‌زیست است.

### احساس بیگانگی اجتماعی

یکی از آثار و نتایج مهم و بارز جامعه‌پذیری ناموفق در سطح افراد و اجتماعی کردن نامطلوب و غیر کارآمد در سطح نهادهای اجتماعی کننده، بیگانگی است که مترادف با مفهوم بیگانگی اجتماعی، بی‌هنجاری و انزوای ارزشی به کار رفته است.

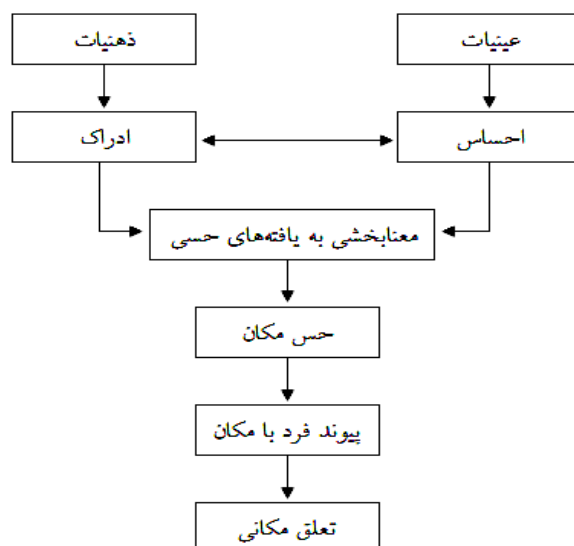
### هویت مکان

کوبن لینچ هویت مکان را صرفاً چیزی می‌داند که باعث تمایز یا فردیت آن از سایر مکان‌ها می‌شود و به عنوان مبنای شناخت مکان، در مقابل موجودیتی مجزا عمل می‌کند. این صرفاً بدان معنا است که هر مکان، نشانه منحصر به فردی دارد و قابل شناسایی است. پل نایرون این گفته را تعمیم می‌دهد و اذعان می‌دارد که تعداد هویت مکان، به تعداد افراد است، چون هویت در تجربه، نگاه، ذهن و نیت بیننده است و به همین میزان در ظاهر فیزیکی شهر یا چشم‌انداز وجود دارد. ولی در حالی که هر فرد ممکن است به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، هویتی را به مکانی خاص اختصاص دهد و با تلفیق میان موضوعی هویت‌های مزبور، هویتی مشترک تشکیل شود. شاید علت این امر، تجربه‌ها و اشیای مشابه مکان باشد و همچنین این نکته که به ما یاد داده‌اند که به دنبال معینی از

مکان، که گروه فرهنگی مان به آن تأکید می‌کند، بگردیم (رلف، ۱۳۸۹: ۶۰). هویت مکان‌ها، مثل تمام تصورات، مبتنی بر این تقابل اثر سه قطب مخالف، "من، دیگری و ما" هستند. "من" اساساً، به واسطه علائم و نمادهایی با "دیگران" ارتباط برقرار می‌کند. تا احتمال ایجاد "ما" به وجود آید و به آن‌ها اعتبار مؤثری بخشد. تمایل به تفکیک من، دیگری و ما به منزله تمایل به از بین بردن خودآگاهی است (همان، ۷۵) و این از بین بردن خودآگاهی، به منزله ظهور تصویر ذهنی گروه و یا اجتماع، به صورت مشترک است. وقتی هویتی به واسطه تجربه مشترک یا در جمع ایجاد شود، مادام که نمادها و اهمیت مکان مزبور معنایشان را حفظ می‌کنند، باقی می‌ماند. هویت در جوامع بدوی و فاقد تاریخ ابدی است و حتی در جوامع محلی هویت‌های مکان بسیار ماندگارند و طی چند نسل تغییر می‌کنند نه چند سال (همان، ۷۹) همیشه دو روش اصلی برای متوقف شدن اعتبار هویت یک مکان وجود دارد. اول آنکه تغییر شرایط محیطی می‌تواند برای مقاصد رفتار فردی و تعامل اجتماعی، آن را غیر مکفی کند. دوم اینکه تغییرات در نگرش، مد، یا سایر جوانب نظام عقیدتی ممکن است یک تصور را بی اعتبار کند (همان، ۷۹).

### احساس تعلق مکانی

حس تعلق به مکان را می‌توان یک رابطه عاطفی و پر معنا بین شخص و مکان تعریف کرد، پدیده‌ای احساسی که مردم آن مکان را برای بازگشت آینده پر معنا بدانند. در حقیقت احساس تعلق به مکان، شاخصی است که از طریق آن می‌توان میزان متمایز بودن آن مکان را برای مردم نسبت به دیگر مکان‌ها سنجید. آنچه مشخص است، این تمایزات حاصل جمعی از عوامل مادی و معنوی محیط می‌باشد. بنابراین با در نظرگیری تمام ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق می‌توان به یک دسته‌بندی کلی‌تر شامل عوامل درون فردی و برون فردی دست یافت. عناصر درون فردی شامل ابعاد شخصیتی فرد و عامل برون فردی ابعاد محیط کالبدی و اجتماع می‌باشد. اصولاً تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند، تعریف می‌شود. جاهایی که تمایل به ماندن دارند و جاهایی که احساس امنیت و راحتی می‌کنند. در این پژوهش مکان به عنوان فضایی مطرح می‌شود که علی‌رغم نامتمایز بودن بعد شناخت و ارزش گذاری به آن مکان تبدیل می‌شود. تعلق به کار رفته در این زمینه می‌تواند به عنوان رابطه عاطفی مردم و چشم‌انداز تعریف شود. با توجه به موارد گفته شده احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف به ابعاد و عناصر تشکیل دهنده آن قابل تجزیه است اما در مرحله ادراک، درک کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد. بنابراین می‌توان اینگونه بیان کرد که تعلق مکان پیوندی است بین یک فرد یا یک گروه و مکان، که بر اساس سطح فضایی، درجه اقتصادی بودن و ویژگی‌های اقتصادی و کالبدی مکان متغیر است و از طریق احساس، شناخت و فرایندهای روانشناسانه رفتاری آشکار شود (Giffor et al. , 2010: 5).



نمودار ۱. چگونگی ایجاد حس تعلق مکانی (کاویانی راد، فتاحی، ۱۳۹۱: ۸)

## دفاع مقدس

دفاع، از ریشه دفع یعنی عقب راندن، پس زدن است. تدابیری که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری توسط یک یا چند کشور مؤتلفه ایجاد می‌شود، دفاع گویند. دفاع مقدس به مجموعه مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های متنوعی که ملت شریف و مسلمان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس (۲۸۹۵ روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام دادند و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند، گویند. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۵۲)

## محیط شناسی

جامعه حاشیه نشین شهرک عرب‌های مشهد در حدود ۱۳۵۰ خانوار را شامل می‌شود که در حدود ۹ تا ۱۰ هزار نفر را دربر می‌گیرد که ۸۷ درصد آنان بومی و بقیه مهاجر بوده‌اند به طوری که ۸۷ درصد به علت جنگ و ۷/۲ درصد به تبعیت از همسر مهاجرت کرده‌اند. شهرک شهید بهشتی، به وسیله دیوارهایی که روی آن سیم خاردار می‌باشد محصور گشته است. شهرک دارای ۳۰ بلوک است و هر بلوک دارای ۵ طبقه و هر طبقه شامل ۱۹ آپارتمان است. آپارتمان‌ها با بالکن‌هایی که به وسیله پتو یا حصیر پوشیده شده است، نمای نامناسبی پیدا کرده است. از این بالکن‌ها به عنوان انبار و محلی برای شست و شوی لباس، مواد غذایی و.. استفاده می‌شود و آب‌های آلوده از بالکن‌ها

به پایین سرازیر می‌شود. راه پله‌های بیشتر بلوک‌ها، کثیف است و زباله‌ها در راه پله‌ها و اطراف آپارتمان‌ها و همچنین فضای اطراف آپارتمان‌ها ریخته شده است.



شکل ۱. وضعیت کالبدی شهرک عرب‌ها

### یافته‌های پژوهش

موفقیت هر پژوهش در گروه برنامه‌ریزی و هدایت درست آن برای نیل به اهداف تعیین شده می‌باشد. بیان روشن و واضح روش و طرح پژوهش، معرفی کامل جامعه و نمونه‌آماری، معرفی متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها، معرفی دقیق ابزار جمع‌آوری داده‌ها و استفاده صحیح از مدل‌های تجزیه داده‌ها، می‌تواند تضمینی برای اتمام یک پژوهش توأم با موفقیت باشد. هر چه بتوان سیمای واضح‌تری از جامعه آماری پیدا نمود، امکان انتخاب دقیق‌تر نمونه و در نتیجه دستیابی به اطلاعات واقع بینانه افزایش خواهد یافت، بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به قلمرو زمانی و مکانی انجام پژوهش، در ابتدا به تعیین چارچوب دقیق جامعه آماری پرداخته و سپس روش و نحوه تأمین نمونه آماری دنبال می‌شود. در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت است از: کلیه ساکنین شهرک شهید بهشتی مشهد شامل عرب‌زبانان و دیگران می‌باشد. با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده، با توجه به دسترس بودن افراد جامعه است. برای حجم نمونه نیز تعداد ۳۸۶ پرسشنامه از طریق فرمول کوکران در جامعه مورد بررسی کامل شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{pq}{d^2} - 1 \right)} \quad n = \frac{(1.96)(1.96)(0.5)(0.5)}{(0.05)(0.05)} = 386$$

$$n = \frac{1 + (0.0001)}{(1.96)(1.96)(0.5)(0.5)} - 1 \quad (0.05)(0.05)$$

## ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات، وسایلی هستند که محقق به کمک آن‌ها می‌تواند اطلاعات مورد نیاز را برای تجزیه تحلیل و بررسی پدیده مورد مطالعه جمع‌آوری می‌کند.

### روش کتابخانه‌ای (منابع اطلاعات نظری)

در روش کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی و اینترنتی و همچنین، مراجعه به سازمان فساوی مشهد و استانداری خراسان رضوی جهت دریافت داده‌های لازم استفاده شده است.

### روش میدانی (منابع اطلاعات عملی)

جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه (پرسشنامه بسته و مقیاس پرسشنامه طیف چند گزینه‌ای) صورت گرفته است. با توجه به اینکه در این مقیاس اندازه‌گیری، پاسخ‌ها به صورت کمی و کیفی بوده، برای تبدیل آن‌ها به پاسخ‌های کمی، برای هر کدام از گزینه‌ها وزن‌های (۱ تا ۱۰)، در نظر گرفته شده است، روش نمونه‌گیری کوکران در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته و تعداد ۳۸۶ نفر از اعضای جامعه مورد پرسش و مصاحبه واقع شده‌اند.

### بررسی پایایی و روایی سؤالات پرسشنامه

دو معیار عمده برای آزمون صحت و خوب بودن پرسش‌ها، روایی و پایایی است. به طور کلی روایی و پایایی، دقت علمی کاربردی در بررسی پژوهش را تصدیق و تأیید می‌کند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳) برای تعیین اعتبار محتوایی، نمونه پرسشنامه در اختیار متخصصان و اساتید راهنما قرار خواهد گرفت که در رابطه با میزان درستی و شفافیت سؤالات پرسشنامه، اظهار نظر نمایند. به علاوه، سعی می‌شود که پرسشنامه به لحاظ شکل، ساختار، کدگذاری، صفحه‌آرایی و زیبایی صفحه، از روایی صوری برخوردار گردد. پایایی نیز به دقت و ثبات اندازه‌گیری در زمان‌های مختلف گفته می‌شود. یکی از روش‌های محاسبه پایایی، استفاده از آلفای کرونباخ است. این روش برای محاسبه هم‌هنگی درونی، ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه به‌کار می‌رود (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). به منظور سنجش پایایی در این پژوهش، از شاخص پایایی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شده است که نتایج به‌دست آمده (جدول ۱) حاکی از پایایی بالای متغیرها در پژوهش می‌باشد. در ذیل به شرح آن پرداخته شده است:

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ احساس محرومیت

تعداد سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ بر اساس سؤالات استاندارد شده	ضریب آلفای کرونباخ
۳۸	۰/۹۴۱	۰/۸۵

با توجه به نتایج جدول (۱)، ضریب آلفای کرونباخ در پرسشنامه احساس محرومیت ۰/۹۴ به دست آمده است (بالتر از ۰/۷) که نشان دهنده پایایی همسانی درونی خیلی خوب برای سؤالات پرسشنامه‌های حاضر است.

### روش‌های آماری (مدل آزمون فرضیه)

تجزیه تحلیل داده‌ها، به معنی طبقه‌بندی، تنظیم، پردازش و خلاصه کردن داده‌ها برای یافتن پاسخ برای فرضیه‌های تحقیق است. هدف از تحلیل، تقلیل داده‌ها به شکل قابل فهم و قابل تفسیر است. به نحوی که بتوان روابط متغیرهای گوناگون مرتبط با مسئله پژوهش را مورد مطالعه قرار داد. بدین منظور در این پژوهش، جهت توصیف داده‌ها و مشاهدات از شیوه‌های توصیف آماری بهره‌گیری می‌شود. ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده، به وسیله پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و فراوانی‌های مربوط به سؤالات عمومی پرسشنامه و سپس فراوانی‌های مربوط به سؤالات اختصاصی پرسشنامه شامل فرضیه‌های تحقیق، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر جهت دستیابی به اطلاعات صحیح‌تر در رابطه با هدف، بیشترین جامعه مورد بررسی افراد بالغ بر چهل سال بوده که در دوران دفاع مقدس ادراک روشن‌تری داشته‌اند، همچنین بیش از نیمی از افراد مورد سؤال مذکور بوده‌اند، تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با کمک نرم‌افزار Spss، از آزمون‌های کولموگوروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن داده‌ها و آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی مقیاس‌ها و با نرم‌افزار کاربردی AMOS- لیزرل مدل ساختاری برای بررسی میزان تأثیر بین متغیرها استفاده می‌شود.

### آزمون نرمال بودن (کولموگوروف - اسمیرنوف)

جدول ۲. آزمون نرمال بودن (کولموگوروف - اسمیرنوف) احساس محرومیت

آزمون نرمال بودن					
شاپیرو-ویلک			کولموگوروف-اسمیرنوف a		
سطح معناداری	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره
۰/۰۰۰	۰/۳۸۶	۰/۹۲۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸۶	۰/۱۱۴

با توجه به نتایج جدول (۱)، برای تمامی متغیرهای وابسته فوق سطح معناداری صفر شده (مقدار sig. کمتر از ۰/۰۵) که نشان دهنده نرمال بودن آن‌هاست. جهت اینکه به ارتباط بین حاشیه نشینی و احساس محرومیت پی ببریم از چهار شاخص اقتصادی، کالبدی - عملکردی، اجتماعی -

فرهنگی و امنیتی استفاده شد و در نهایت به تأثیر این چهار عامل که شاخصه‌های حاشیه نشینی بر احساس محرومیت است پرداخته شد. به جهت آزمون تأثیر مؤلفه‌های فوق بر احساس محرومیت از مدل ساختاری استفاده می‌شود. مدل ساختاری مدلی است که به بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر مؤلفه عامل می‌پردازد.

### مدل ساختاری

به منظور استفاده از روش آماری مناسبی ابتدا پیش فرض‌های ورود به نوع آزمون مورد بررسی قرار گرفت، چون متغیرهای تحقیق از نوع فاصله‌ای بوده به این منظور از طریق آزمون اسمیرنوف کولموگروف نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی شد. پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون مدل ساختاری استفاده شده است. سطح معناداری برای مقایسه‌های آماری در سطح  $(p < 0/05)$  و دو سویه در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۳. بررسی بار عاملی و آماره متغیرهای احساس محرومیت

متغیرهای وابسته و مستقل	بار عاملی (وزن نهایی)	SE- خطای استاندارد	آماره T
احساس محرومیت	۰/۷۱۱	۰/۳۵۰	۲۰/۳۶۷
کالبدی عملکردی			

جدول ۴. رابطه بین احساس محرومیت نسبی و فقدان حس تعلق مکانی

جنسیت			
بلی	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
۳۲۲	۸۳/۴	۸۳/۴	۸۳/۴
۶۴	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۰۰/۰۰
کل	۳۸۶	۱۰۰/۰۰	

با توجه به بررسی‌های انجام شده، احساس محرومیت کالبدی در رتبه دوم احساس محرومیت مردمی محله است و میزان رنجش ساکنان را نسبت به این مقوله نشان می‌دهد از طرفی عدد ۰/۷ خود نشان دهنده میزان احساس محرومیت بالای این ساکنان از کالبد مطلوب محیطی است. از طرفی با بررسی احساس هویت مکانی این افراد به مکان زندگی دریافت می‌شود که کالبد و سیمای نامناسب و تصورات افراد نسبت به این مقوله و نیز تصورات دیگران و قضاوت آن‌ها در مورد ساکنین



این محله با توجه به کالبد محله سبب کاهش احساس هویت مکانی در افراد شده است. مسئله تیپولوژی حاشیه نشین بر اساس سازوکارهای شکل دهنده آن‌ها و همچنین عوامل بازدارنده ترک محل توسط ساکنین می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آینده برای این محلات بسیار مؤثر باشد. در خصوص شهرک عرب‌های مشهد بیشتر باید به برنامه‌های کاهش فقر روی آورد. پیام عمده‌ای که برنامه اسکان بشر سازمان ملل<sup>۱</sup> در گزارش سال ۲۰۰۳ در مورد سکونتگاه‌های انسانی تحت عنوان «چالش محلات فرودست شهری» آن را اینگونه بیان می‌کند: «سیاست‌گذاری‌های توسعه شهری در رویارویی با چالش محلات فرودست شهری باید به مسئله معیشت ساکنین اینگونه محلات و به طور کلی فقر شهری بیشتر توجه کند؛ بنابراین باید از رویکردهای سنتی که بر ارتقاء وضعیت مسکن، زیرساخت‌ها و شرایط زیست محیط فیزیکی تأکید داشته‌اند، فراتر رود. محلات فرودست شهری تا حدود زیادی نمود [تبلور] فیزیکی و فضایی فقر شهری هستند و اهمیت اساسی این واقعیت معمولاً توسط سیاست‌گذاری‌های گذشته که یا به دنبال ریشه کن کردن محلات فرودست شهری بوده‌اند یا در صدد بهسازی آن‌ها، تصدیق نشده است. سیاست‌گذاری‌های آینده می‌بایست با پرداختن به مشکلاتی که علت اصلی فقر شهری هستند، از بعد مادی محلات فرودست شهری فراتر بروند. سیاست‌گذاری‌های مربوط به این محلات می‌بایست به دنبال تأمین معیشت فقرای شهری باشند که این کار را باید از طریق اقدامات توانمندساز به منظور شکوفایی فعالیت‌های بخش غیر رسمی، پیوند دادن توسعه مسکن کم درآمدها به درآمدزایی و ایجاد اطمینان در خصوص دسترسی آسان به شغل به واسطه سیاست‌گذاری‌های حمل و نقل که به سود فقرا باشد و در نظر گرفتن مکان‌هایی برای اسکان افراد کم درآمد، انجام دهند».

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آماری گردآوری شده از طریق پرسشنامه، سعی شده است تا با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS و با توجه به اهداف تحقیق و نیز فرضیه‌ها و سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی، آزمون‌های مناسبی اجرا شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران حجم گسترده‌ای از جابه‌جایی‌های جمعیتی و مهاجرت‌های اجباری را به دنبال داشت. این مهاجرت‌های اجباری، پیامدهای جمعیتی و اجتماعی متعددی داشته است. در فاصله جنگ تحمیلی، کلیه استان‌های غربی کشور مهاجر فرست شدند و جمعیت استان‌های

<sup>۱</sup> UN-HABITAT

شرقی نیز دو برابر شد، چرا که اکثر این مهاجران جنگی به استان‌های مرکزی و شرقی کشور (به جز سیستان و بلوچستان)، مهاجرت کردند. این شدت مهاجرفرستی از مناطق جنگی، جمعیت‌گریزی از آن مناطق را در طی دو دهه اخیر به همراه داشته است. چرا که این امر باعث شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی بین این مناطق شده است. بنابراین مسئله مهم در زمان جنگ شکل گرفته و نشان دهنده این است که با گذشت دو دهه از جنگ، هنوز انگیزه‌های ماندگاری همچون انگیزه‌های اجتماعی، اقتصادی و غیره در این مناطق تقویت نشده است. بنابراین نیاز به کار در این عرصه‌ها شدیداً احساس می‌شود تا در نتیجه آن بتوان جمعیت را در این مناطق حفظ نموده و تاحدودی بتوان از تبعات منفی دنباله‌دار مهاجرت‌های جنگ تحمیلی کاست.

از دیگر پیامدهای اجتماعی جنگ تحمیلی می‌توان به انزوای اجتماعی مهاجران جنگی در مقصد و عدم انطباق با محیط جدید اشاره کرد. انطباق‌پذیری با ارزش‌ها و هنجارهای غالب در اجتماع برای مهاجرینی که به دلخواه به مکانی وارد می‌شوند، امر دشواری است و این انطباق زمانی که اشخاص منزلت اجتماعی و وضع اقتصادی شان دچار دگرگونی شده و مهاجرت شان اجباری و ناخواسته باشد، به مراتب دشوارتر می‌شود. آثار و پیامدهای در نظر گرفتن تنش‌های موجود بین مهاجران جنگی و افراد بومی، مهاجران نسبت به اهالی بومی و بومیان نسبت به مهاجران جنگی، دارای افکار متعارض بودند. این انزوا و اختلافات، اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی مهاجران جنگی را تضعیف نموده و علاوه بر این در مسیر و کیفیت زندگی آن‌ها در آینده نیز تأثیرگذار است. چرا که انزوا و حاشیه‌ای شدن اجتماعی، فرایند مشارکت اجتماعی و اقتصادی را تضعیف نموده و دسترسی به فرصت‌ها را محدودتر می‌سازد، در روحیه افراد به ویژه جوانان و نوجوانان مؤثر می‌باشد و آن‌ها را از فعالیت‌های عادی و معمولی دور نگه می‌دارد.

بنابراین برای بررسی رابطه میان احساس محرومیت کالبدی و تأثیر آن بر حس تعلق و هویت مکانی به رتبه‌بندی اهمیت مسئله با توجه به مدل ساختاری پرداخته و دیدگاه ساکنان و قضاوت مردم شهر نسبت به محله مورد مطالعه و آزمایش قرار دادیم. همان‌طور که مشاهده شد احساس محرومیت کالبدی رابطه معکوسی با احساس هویت مکانی دارد و ساکنان شهرک عرب‌ها به دلیل کمبودهای زیرساختی و کالبدی و احساس محرومیت از کالبد مطلوب مکانی حس هویت مکانی کمتری را داشتند و احساس محرومیت کالبدی و محیطی عاملی در کاهش احساس هویت مکانی و ایجاد هویت مکانی ساکنین شده است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در زیر راه‌حلهایی در قالب ارائه اهداف کلان و خرد و راهبردهای اجرایی مطرح شده است:

جدول ۵. برنامه‌های پیشنهادی در زمینه کالبد و محیط جهت ارتقا هویت مکانی

هدف کلان	هدف خرد	راهبرد
تعیین کارکرد و جایگاه محله در محدوده قانونی شهر مشهد بهبود و ارتقای وضعیت کالبدی، فضایی و عملکردی محله و پیوند آن با ساختار شهری	انسجام بخشی و ارتقای ساختار فضایی کالبدی محله تأمین خدمات اساسی محلی و تأسیسات محلی و تأسیسات زیربنایی در اولویت	توسعه بهبود و ساماندهی کیفیت فضایی و اجتماعی فضاهای عمومی محله تهیه طرح تفصیلی ویژه محله حفاظت از ارزش‌های بومی و فضایی محله توسعه و ارتقای کیفیت فضایی و اجتماعی فضاهای عمومی سامان دهی شبکه معابر محلی و نحوه عبور و مرور سواره و پیاده تأمین خدمات اساسی و در اولویت مورد نیاز ساکنان محله (آموزشی، فضای سبز، درمانی، فرهنگی، ورزشی و...) تأمین تأسیسات زیربنایی مورد نیاز
	تقویت پیوندها و ارتباطات مابین محله و سایر پهنه‌های شهر ارتقای کیفیت فضایی و سیمای شهری محله	انطباق بافت کالبدی و فضایی محله با نیازها و تحولات جامعه معاصر ایجاد انسجام فضایی و عملکردی محله با سازمان فضایی شهر مشهد برقراری پیوندهای کالبدی و عملکردی مابین محله و سایر پهنه‌ها و محلات شهر ارتقای سیما و منظر فضاهای شهری و محله‌ای

با توجه به جدول فوق می‌توان به این مهم دست یافت که احساس ساکنان نسبت به کالبد مطلوب و تأثیر آن در تعاملات محلی عاملی مهم در ایجاد هویت و حس تعلق مکانی است. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق که با آزمون نرمال بودن (کولموگوروف-اسمیرنوف) دو متغیره مورد آزمون قرار گرفت، فرضیات تحقیق را به اثبات رساند. در نتایج نشان داد که کالبدی عملکردی، متغیر وابسته محرومیت نسبی را پیش‌بینی و تبیین کرده و آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این فرض طبق نظریه مازلو مورد تأیید قرار می‌گیرد. به نظر مزلو، افرادی که در روابط اجتماعی نایمن هستند، نسبت به دیگران احساس تنفر و دشمنی می‌کنند، احساس تنهایی و انزوا نموده، از اجتماع دوری می‌جویند و دیگران را به عنوان افرادی بد، شیطنانی، تهدید کننده، خودخواه، خطرناک و غیر قابل اعتماد می‌بینند. بنابراین نگرانی، ترس، وحشت، اضطراب،

تنش و عصبیت جملگی از پیامدهای ناامنی هستند.

### پیشنهادات

از آنچه که در این تحقیق مطرح گردید، نتیجه می‌شود که عواملی وجود دارد که باعث افزایش یا کاهش احساس محرومیت در ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد (شهرک عرب‌ها) می‌شود. بنابراین بر اساس یافته‌های تحقیق، برای اینکه در جامعه، در بین ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد (شهرک عرب‌ها)، محرومیت و احساس محرومیت وجود داشته و ساکنان شهرک ضریب احساس محرومیت پایین داشته باشند، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

- ۱- تمهیدات مسئولان رده بالا برای ایجاد شغل مناسب،
- ۲- ایجاد بستر مناسب برای بیان آراء و افکار و نبود محدودیت برای فعالیت‌های آن‌ها.
- ۳- ایجاد مکان‌های مناسب، مثل مکان رفاهی و ورزشی بدون هیچ‌گونه محدودیت.
- ۴- در رابطه با احساس محرومیت نسبی و محرومیت، باید تلاش شود که از طریق توزیع عادلانه امکانات در بین ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد (شهرک عرب‌ها) همچنین کم کردن فاصله طبقاتی، احساس محرومیت نسبی در آنان کاهش یافته تا احساس محرومیت در آنان کاهش یابد. همچنین باید به انتظارات و خواسته‌های افراد توانا و ارزشی توجه شود.
- ۵- در رابطه با احساس بیگانگی اجتماعی و احساس محرومیت، یکی از راهکارهای کاهش بیگانگی و افزایش احساس همبستگی در بین ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد (شهرک عرب‌ها)، شناخت نیازها و اولویت‌های ارزشی آنان و پاسخ مقتضی به آنان و تقویت حس اطمینان و همدلی در آنان و کاستن از میزان ناسازگاری‌های احتمالی ساکنان شهرک شهید بهشتی مشهد (شهرک عرب‌ها) و نظام اجتماعی بومی است.

### منابع

- ۱- جریبی، جعفر و رضا صفری شمالی، «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی استان مرکزی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۱۳۸۹، شماره ۳، ۱۲.
- ۲- شریفی، ادیب، بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با جرم مطالعه موردی: سرپل ذهاب، پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری، دانشگاه پیام نور اسلام آباد غرب، ۱۳۹۱.
- ۳- دفتر آمار و اطلاعات و GIS استانداری خراسان رضوی، سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۹۰.
- ۴- زنجانی، حبیب ا... (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران انتشارات سمت.
- ۵- راغفر، حسین، «تله‌های فقر، محرومیت نسبی و عدالت اجتماعی»، اقتصاد و جامعه، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.

- ۶- ربانی، رسول خوراسگانی، عریضی، فروغ السادات، وارثی، حمیدرضا و محمدرضا حسینی، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز»، مجله جغرافیا و توسعه، دوره چهارم، شماره هفتم، ۱۳۸۵.
- ۷- رفیعی، مینو و همکاران، طرح جامع مسکن، سند راهبردی- اجرایی، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵.
- ۸- شهرداری مشهد، طرح پیشگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز و ساماندهی اراضی حاشیه شهر، ۱۳۸۶.
- ۹- شهرداری مشهد، طرح مدیریت و ساماندهی حاشیه شهر مشهد، اداره ساماندهی حاشیه شهر مشهد- معاونت شهرسازی و معماری، ۱۳۸۰.
- ۱۰- صالحی، سیدرضا، «شناخت چالش‌ها، بحران‌های قومی و الزامات مدیریت تنوع»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک دوره اول، شماره هشتم، ۱۳۸۶.
- ۱۱- قدیمی، مهدی و حامد قاسمی، «بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه زنجان»، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال اول، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- ۱۲- قدیری معصوم، مجتبی و غلامرضا جهان محمدی فیروز، «نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۳، ۱۳۸۷.
- ۱۳- کمانرودی، موسی، اسکان غیر رسمی تهران مطالعه موردی منطقه شش تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- ۱۴- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۴)، در آمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۵- لهسایی زاده، عبدالعلی، «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین مطالعه موردی: کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۱.
- ۱۶- مثنوی، عطا ..، «حاشیه‌نشینی معضلی اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، ۱۳۸۳.
- ۱۷- موحد، علی، محمدی، عباس و حسین کرملاچعب، «تؤثیر جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین مطالعه موردی: منطقه ملاشیه اهواز»، مجله آمایش محیط، دوره هفتم، شماره بیست و چهار، ۱۳۹۳.
- ۱۸- منصوری، حسین، تحلیل ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی و کیفیت سکونتگاهی حاشیه‌نشینان در راستای توانمندسازی مطالعه موردی: ناحیه سه از منطقه سه شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۹.

- ۱۹- مهدیانی، رویا، تأثیر حاشیه نشینی بر احساس محرومیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی تهران، ۱۳۹۴.
- ۲۰- نبوی، سیدعبدالحسین و همکاران «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره ۴۰، ۱۳۸۹.
- ۲۱- نصیری، معصومه، اعظمی، هادی، «تابرایی‌های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران رویکردی در جغرافیای سیاسی»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۵.
- ۲۲- نواح، عبدالرضا، تقوی نسب، سید مجتبی، «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هشتم، شماره دوم، ۱۳۸۶.
- ۲۳- هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد انتشارات شهرداری مشهد.
- ۲۴- یوسفی، امید، عبدالرزاقی، حامد، «بررسی علل حاشیه نشینی و راه حل تعارض با اصول شهرسازی»، مجموعه مقالات همایش ملی حاشیه نشینی قزوین، ۱۳۹۱.
- ۲۵- سیف زاده، حسین، گلپایگانی، حسن، «محرومیت نسبی و چرخش رأی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۱، ۱۳۷۶.

1. Abu-Kharmeh, S., Abu-Al Sondos, J. "Socio-Economic Deprivation Indices (Case Study: Jordan)"; American J. of Scientific Research (2), 2009.
2. Alexiadou, "Social Exclusion 'and Educational Opportunity": The Case of English Education Policies within a European Context, Paper Research, University of Lisbon, 11-14 September, 2002.
3. Black, R., (2006) "Migration and Inequality"; World Development Report, Backgroundpapers, 1 – 78.
4. Hawkins, Joice M. (1989), the Oxford Reference Dictionary.
5. Hall, Tino (1998), Urban Geography, Rutledge, London and New York.
6. Johnson, A. (2000), the Bleek Well Dictionry of Sociology: A Guide to Sociological Language, Oxford & Masachusetts: Blackwee.
7. Kain, J. H.; Söderberg, H. (2008), Management of Complex Knowledge in Planning for Sustainable Development: The Use of Multicriteria Decision Aids 'Environmental Impact Assessment Review 'No. 28
8. Lee, E. S. (1966 ), A Theory of Migration Demography, No 1.
9. Newman James, L., Gordon, M. (1987), Population Pattern Dynamicand Prospects, United State of America Newjersey.
10. Reimer, B. (2002), Social Exclusionina Comparative Context, No 6.
11. Saleh, A. "Relative Deprivation Theory, Nationalism, Ethnicity and Identity Conflicts"; Geopolitics Quarterly, 8(4), winter 2013.
12. Room, G. (1995), Beyondthe Threshold: The Measurement and Analysis of Social Exclusion, Great Britain :The Policy Press.
13. Shahiddul Haque, M. "Migration Trends and Patterns in South Asia and Management Approaches and Initiatives"; Asia-Pacific Population J., 20(3), 2005.
14. Sindzingre, A. N. (1999) Exclusion and Poverty in DevelopingCountries: Some Issues, France: Centre National de la Recherch Scientifique.

15. Totomorn, M.; Alicea, M. (2004), Migration and Immigration: A Global View, Westport: Greenwood Press.
16. Yu, L.; Hou, X.; GAO, M.; Shi, P. (2010), Assessment of Coastal Zone Sustainable Development: A Case Study of Yantai, China, Ecological Indicators, No. 10.
17. Gurr, T. R. (1970), *Why Men Rebel*, New Jersey: Princeton University Press.
18. Www. Moi. ir
19. Www. wikipedia. org
20. Www. farsnews. net
21. Www. amar. Khorasan. ir
22. Www. Amar. org. ir
23. <http://www. Mashhadema. ir>

## **The Effect of Physical Sense of Relative Deprivation in Holy Defense Immigrants on Sense of Spatial Belonging**

**R. Mahdiani, Y. Karimi, H. Nir Abadi**

### **Abstract**

Identity is the quiddity and interaction of three poles of "I, we, and others" with various aspects of the physical-spatial, socio-cultural, economic, and political. Spatial identity tells about the location distinctiveness and acts as the basis for identifying the location against the separate entity. This simply means that every location is unique and identifiable. On the other hand, the environment, as the most important objective element of spatial identity, plays an effective role. Accordingly, it seems that the sense of relative deprivation has had an impact on spatial identity and sense of spatial belonging. In the present research, SPSS and AMOS softwares were utilized to analyze the data, and the structural model was taken advantage of to investigate the physical sense of relative deprivation and its impact on identity and the sense of spatial belonging. According to the results, there was a significant relationship between these two categories, declaring that the physical sense of relative deprivation affected reducing the sense of spatial belonging.

**Keywords:** spatial Identity, sense of spatial belonging, Physical Deprivation Sense, holy Deffense Immigrants, Structrul Model